

قرآن، چالش‌های زیست‌محیطی و مبانی نظام محیط زیست در اسلام

سعید فراهانی فرد^۱

یوسف محمدی^۲

چکیده

بشر برای ادامه حیات خود نیاز به محیطی سالم و بدون آلودگی دارد. این نعمت را خداوند در اختیار انسان قرار داده است. اما انسان با طرح اندیشه‌های اقتصادی و نو مبتنی بر رشد مداوم اقدام به استفاده بی‌رویه از منابع زیست محیطی کرده و باعث آسیب رساندن به منابع زیست محیطی و گاهی تخریب آن شده است. در خصوص منشأ بحران‌های زیست محیطی ایجاد شده دو دیدگاه عمده وجود دارد؛ برخی بحران ایجاد شده را ناشی از فاصله گرفتن و دوری از آموزه‌های دینی دانسته و راه حل آن را گسترش اخلاق و آموزه‌های دینی و نگاه قدسی به طبیعت می‌دانند. عده‌ای دیگر با نگرشی متفاوت مشکل را ناشی از آموزه‌ها و اصول مستفاد از دین می‌دانند؛ فرضیه ما در مقابل مسئله یادشده، این است که دین اسلام با طراحی یک نظام زیست محیطی هماهنگ با سایر نظام‌های اجتماعی اسلام، نه تنها زمینه تخریب را ایجاد نمی‌کند، بلکه موجبات ارتقا و بهبود منابع زیست محیطی را ایجاد کرده و از طرفی در خود نظام، قابلیت‌هایی دیده شده که اگر کسانی بخواهند صدمه‌ای به این چرخه وارد کنند مانع آن می‌شود. بر این اساس، در این مقاله، آموزه‌هایی را که احتمال برداشت ناصواب از آنها وجود داشته طرح کرده و پاسخ می‌دهیم. در نهایت با معرفی اصول مستفاد از قرآن و با تحلیل عقلی اثبات خواهیم کرد که سمت و سوی این الگو، ارتقای منابع زیست محیطی است.

کلیدواژه‌ها: قرآن، تسخیر، زهد، نظام زیست محیطی، اسراف، کارایی.

۱. استادیار دانشگاه علوم اقتصادی.

۲. دانش‌آموخته رشته معارف قرآن دانشگاه مفید.

1. مقدمه

محیط زیست نظام پیچیده‌ای از ذخایر منابع طبیعی است که جریانی با ارزش را برای جامعه انسانی فراهم می‌کند. از طرفی کمیاب بودن این منابع و استفاده بی‌رویه از آنها محرومیت افراد این نسل و نسل‌های آتی از خدمات این نعمت‌ها را موجب شده است. همچنین این نوع بهره‌برداری، علاوه بر محرومیت که از جهت از بین رفتن منابع ایجاد می‌کند با آلوده سازی محیط، ضرر دیگری نیز بر این افراد وارد کرده و در مجموع رفاه اجتماعی را کاهش می‌دهد. اهمیت این مسئله سبب شده است دانشمندان به دیده اقتصادی به محیط زیست نگرسته و استفاده از این منابع را در قالب هزینه - فایده بررسی کنند. حتی در حساب‌های ملی نیز GNP سبز را مطرح کرده‌اند که به نوعی در نظر گرفتن هزینه‌های آلودگی محیط زیست و تخریب آن در این حساب‌ها است. همچنین برای جلوگیری از تخریب، راه‌های اقتصادی مانند مالیات، یارانه و ... را مطرح کرده‌اند. به رغم همه این فعالیت‌ها، توفیق چشمگیری در این زمینه به دست نیامده است و برخی از دانشمندان به این باور رسیده‌اند که حلقه وصل این مطالعات توجه به آموزه‌های دینی در این باره است و اینکه ادیان می‌توانند با ایجاد انگیزه در پیروان خود، به هدف حفظ محیط زیست کمک کنند. این در حالی است که برداشت‌های ناصواب از آموزه‌های دینی از یک سو، و استفاده ابزاری از دین از سوی دیگر، در طول تاریخ فضایی را ایجاد کرده است که نه تنها استفاده از آب زلال هدایت دین و میوه‌های شیرین آن را مشکل کرده، بلکه برداشت‌های نامناسب از این آموزه‌ها باعث استفاده‌هایی کاملاً در جهت خلاف شده است.

در دین مسیحیت این انحراف از طریق تحریف^۱ اصل کتاب مقدس در کنار تأویل‌های نادرست از آن صورت گرفته است. در دین اسلام نیز گرچه اصل قرآن به شهادت خود و قرآن‌شناسان از تحریف مصون مانده، ولی تفسیر نادرست برخی آیات در کنار جعل در روایات، پیامدهای منفی ای را در جامعه مسلمانان به همراه داشته است. محیط زیست از موضوعاتی است که همه ادیان و به ویژه دین اسلام اهمیت فراوانی برای آن قائل هستند. آیات فراوانی در قرآن و نیز سایر کتب آسمانی وجود دارد که جایگاه منبع محیط زیست را نشان می‌دهد. با این همه، برداشت‌های ناصواب از برخی آموزه‌های ادیان، این تصور را ایجاد کرده است که مذاهب و ادیان تخریب

۱. البته در مورد اینکه کتاب مقدس موجود تحریف شده یا اینکه این کتاب به طور کلی یک کتاب تاریخی است که پس از چندین سال توسط پیروان این ادیان به رشته تحریر درآمده اختلاف نظر وجود دارد.

محیط زیست را برای پیروان خود، تجویز می‌کنند. گرچه سمت و سوی عمده این اتهامات آموزه‌های مسیحیت است، اما وجود موضوعاتی مشابه در دین اسلام، زمینه این برداشت‌های نادرست نسبت به آموزه‌های اسلامی را نیز فراهم می‌کند. بنابراین، جای طرح این پرسش هست که آیا آیات قرآن و روایات با مسلط کردن انسان‌ها بر زمین و موجودات گیاهی و جانوری و نیز طرح برخی مباحث دیگر زمینه تخریب محیط زیست را فراهم نمی‌کند؟

فرضیه ما در مقابل این پرسش اساسی، در این مقاله این است که دین اسلام با طراحی یک نظام زیست‌محیطی که همسو با چرخه زیست‌محیطی بوده، نه تنها زمینه تخریب را ایجاد نمی‌کند، بلکه موجبات ارتقا و بهبود منابع زیست‌محیطی را ایجاد کرده و از طرفی، در خود نظام، ظرفیت‌هایی تعبیه شده که اگر کسانی بخواهند صدمه‌ای به این چرخه وارد کنند از آن ممانعت کند. بر این اساس، در این مقاله، آموزه‌هایی را که احتمال برداشت ناصواب از آنها وجود داشته طرح کرده و پاس‌خ داده و در نهایت با معرفی نظام زیست‌محیطی، اثبات خواهیم کرد که سمت و سوی این نظام، ارتقای منابع زیست‌محیطی است. نتیجه این نظام، در بعد اقتصادی نیز ایجاد رفاه برای جامعه و حرکت به سمت توسعه پایدار خواهد بود. روش تحقیق در این نوشتار، روش تحلیل محتوا و با استنباط از آیات قرآن و روایات اهل بیت است.

2. شباهت مطرح شده در خصوص آموزه‌های دینی مرتبط با محیط زیست

همان‌طور که در مقدمه اشاره شد، عمده کسانی که چالش‌های دینی محیط زیست را مطرح کرده‌اند، آموزه‌های مسیحی مد نظرشان بوده است، گرچه در برخی تعبیرشان، به طور کلی دین را عامل تخریب محیط زیست دانسته‌اند. در مقابل برخی از دانشمندان مسیحی، گفتار اینان را نقد کرده و دانشمندان مسلمان نیز عمدتاً دین را حامی و مدافع محیط زیست دانسته‌اند. انتقاداتی که این دانشمندان بر ادیان وارد کرده‌اند با عناوین متفاوتی است، برخی مانند کامستوک (1387، ش1)، «آرنولد توین بی» (White jr, 1967, pp. 1203-1207) و «لین وایت» (هات، 1382، ص304)، معتقدند تسخیر زمین برای انسان و مسلط شدن او بر طبیعت که از جانب خداوند و آموزه‌های دینی به او ارزانی شده و این پندار که خلقت همه چیز برای التذاذ آدمی است، سبب شده انسان هرگونه بخواهد، در طبیعت تصرف کرده و محیط زیست را تخریب کند. در مقابل این گروه

کسانی مانند پتریک دوبل،^۱ ای. بی. فسیک، معتقدند ارتباط دادن تخریب محیط زیست به آموزه‌های مسیحی و یهودی درباره رابطه انسان و سایر مخلوقات تبیینی ساده‌انگارانه و بیشتر بر اساس هوا و هوس است تا واقعیت. (نصر 1384، ص 370؛ ملکیان 1385، ص 356) هات^۲ نیز در این باره گفته است، از آنجا که خدا نگهدارنده حیات است: کتاب مقدس به طور ضمنی دستور می‌دهد از خدا در این مورد تقلید کنیم. (هات 1382، ص 305)

برخی دیگر از بوم شناسان منتقد، دلمشغولی اخروی و موقت انگاری دنیا را عامل تخریب محیط زیست دانسته اند. آنان معتقدند یک اصل اساسی اخلاق زیست محیطی این است که زمین را خانه واقعی خود تلقی کنیم. اما دین نمی‌تواند این جهان را به عنوان خانه ما بپذیرد. دین به ما می‌گوید ما صرفاً زائران یا مسافران روی زمین هستیم. چگونه این نگاه دنیایی می‌تواند ادعا کند که بوم شناسی را جدی بگیریم. (همان، ص 303؛ Passmor, 1974, p. 148)

برخی از آنها نیز، در رابطه با تعارض آموزه های دینی با اصول حفاظت از محیط زیست از زاویه دیگری به مسئله نگاه کرده و می گویند: مجامع دینی در مقابل این بحران سکوت اختیار کرده و هیچ گونه عکس العملی نشان نداده اند. ضمن اینکه متون دینی نیز راجع به تخریب محیط زیست اتلاف منابع و آلودگی و دیگر موضوعات زیست محیطی سخنی برای گفتن ندارند.

از جمله راسل ترین گفته است کلیساها، کنیسه ها و مساجد توجه کمی به مسائل عمده زیست محیطی کرده اند. (Train, 1990, pp. 664-65) هات نیز در این زمینه می‌گوید: متون کلاسیک سنت های دینی مطالب مهم کمی درباره تخریب جنگل های بارانی، فرسایش خاک، اتلاف منابع آب تازه، گسترش بیابان ها، آلودگی زمین و آب و هوا، نرخ هشدار دهنده نابودی انواع، گرم شدن سراسری زمین و نازک شدن لایه ازن پوش سپهر (استر اتوسفر) دارند. (هات 1382، ص 300)

نصر در این باره می گوید: به طور معمول داوری درباره تأثیر آموزه های دینی در موضوعاتی از قبیل محیط زیست در اثر مطالعات و مشاهدات کشیش های مسیحی است. (نصر 1379، ص 227-230)

۱. دانشیار و سرپرست گروه تحصیلات تکمیلی مسائل عمومی در دانشگاه واشینگتن.

۲. استاد الاهیات و رئیس مرکز مطالعات علم و دین دانشگاه جرج تاون آمریکا.

اعتقاد به منجی، در ادیان نیز یکی دیگر از نقدهایی است که محیط زیست گرایان غربی به آن استناد کرده و ادیان را متهم به ضدیت با محیط زیست می‌کنند. اشکال آنان این است که اعتقاد و انتظار منجی، سبب می‌شود افراد یک جامعه نسبت به تخریب محیط واکنش نشان ندهند، همان طور که نسبت به سایر مسائل اجتماعی نیز، تحرکی ندارند. (هات، 1382، ص303؛ کامستوک، 1387، ش1) در ادامه این شبهات را مطرح کرده و با استفاده از ادله عقلی و قرآنی آنها را بررسی خواهیم کرد.

2.1. تسخیر

چنان که گذشت یکی از مهم‌ترین شبهات مطرح در زمینه نگاه دینی به محیط زیست، آموزه تسخیر است. بر اساس اعتقاد دین‌باوران، که منشأ قرآنی دارد و از کتاب مقدس مسیحیان نیز استفاده می‌شود، خداوند متعال جهان هستی را در خدمت انسان و کارگزار او آفریده و آن را فرمانبردار انسان قرار داده است تا بتواند به راحتی از آن استفاده کند. این موضوع در آیات فراوانی از قرآن مانند ابراهیم: 33؛ نحل: 14 و 12؛ حج: 65؛ عنکبوت: 61؛ لقمان: 20؛ جاثیه: 12 و 13 و نیز کتاب مقدس (کتاب مقدس، آیه 26 و 29 از باب اول سفر تکوین (پیدایش)) و با تعبیر مختلفی مانند مسخر کردن، رام کردن و ... وارد شده است و همان‌طور که اشاره شد این تسلط و تفوق انسان بر زمین او را قادر کرده (و در مواردی تشویق می‌کند) هرگونه رفتاری را نسبت به محیط اطراف خود داشته باشد، زیرا همه چیز را برای خود و در جهت رفاه خود می‌داند.

نقد و بررسی

قبل از پاسخ به این اشکال لازم است، ابتدا به تبیین واژه تسخیر بپردازیم. راغب اصفهانی تسخیر را حرکت قهری به سوی هدف خاص و تعیین شده می‌داند. (راغب اصفهانی 1416، ماده سخر) از این معنی، استفاده می‌شود که زمین و عناصر آن بر اساس هدف خاصی به طور قهری از سوی خداوند در اختیار انسان قرار گرفته است. از آیات تسخیر می‌توان فهمید که این هدف، نفع رساندن به انسان است این مطلب از «لام» و ضمیر «کم» در این آیات استفاده می‌شود. بنابراین، استفاده انسان از این منابع که با تسخیر بر آنها حاصل شده است، باید در جهت تأمین منافع معقول بشر باشد، نه استفاده و بهره برداری که در نهایت به زیان و ضرر خود انسان نیز بینجامد. افزون بر این، با توجه به آیات دیگر قرآن که در مواردی مفسر آیات تسخیر محسوب می‌شوند می‌توان این شبهه را چنین پاسخ داد:

1. آیاتی که انسان را از فساد بر روی زمین نهی می‌کند و نیز آیاتی که هرگونه استفاده تبذیری از نعمت‌های خداوند را منع می‌کند به انسان اجازه نمی‌دهد هرگونه بخواهد در زمین تصرف کند.

در آیات مربوط به تسخیر و نهی از افساد در زمین دو اصل قابل استفاده است . یکی اصل سلطه انسان و دیگری اصل ممنوعیت افساد در زمین؛ پرسش این است که آیا می‌توان با استناد به اطلاق آیات تسخیر به جواز تصرفاتی که به محیط زیست زیان می‌رساند حکم کرد؟ پاسخ این است که چنین حکمی را عقل نمی‌پسندد، زیرا اصل حرمت افساد در زمین با مطلق بودن سلطه انسان در تضاد است . و اطلاق آیات تسخیر شامل چنین تصرفاتی نمی‌شود . حال در صورت شک در شمول آیات تسخیر در چنین تصرفاتی آیا می‌توانیم به اصل برائت تمسک جست و بگوییم چنین تصرفاتی نیز مباح است؟ پاسخ این است که عموم حرمت افساد در زمین مانع از تمسک به اصل برائت است.

2. در برخی از آیات قرآن، انسان خلیفه خداوند در روی زمین معرفی شده و در برابر نعمت‌های خداوند پاسخگو، این آیات نیز با برداشت ناصحیح از تسخیر سازگار نیست. به تعبیر برخی از متفکران، انسان بودن یعنی آگاه بودن از مسئولیتی که این مقام خلیفگی اقتضا دارد، و تسخیری که قرآن برای انسان فراهم کرده است به معنای چیرگی معمولی بر طبیعت نیست؛ بلکه به معنای غلبه بر چیزهایی است که انسان مجاز است تنها به شرط آنکه مطابق قوانین الهی باشد، اعمال کند و دقیقاً از آن جهت که خلیفه خداوند بر زمین است و بنابراین اقتداری دارد که نهایتاً به خداوند متعلق است؛ به همین سبب است که هیچ چیزی برای محیط زیست طبیعی خطرناک‌تر از اعمال قدرت مقام خلیفگی جامعه بشری نیست که دیگر بندگی خدا را نمی‌پذیرد و مطیع قوانین او نیست. (نصر، 1379، ص 222-3؛ نقی زاد، 1383؛ جوادی، 1387، ص 62)

3. آیاتی که در کنار مسخر بودن زمین برای انسان سپاسگزاری را در برابر این نعمت‌ها از او خواسته است و با توجه به اینکه شکر هر نعمت متناسب با آن نعمت است، بنابراین سپاسگزاری در برابر نعمت‌های خداوند اقتضا می‌کند که بهره‌برداری از این نعمت‌ها مطابق خواست او و در راستای هدایت و سعادت خودش باشد.

4. آیاتی که تجاوز و تعدی به حقوق دیگران را ناروا دانسته و از آن منع کرده است به انسان اجازه نمی‌دهد با مسلط شدن بر زمین، حقوق افراد این نسل و نسل‌های آتی را از بین ببرد.

با توجه به این آیات و نیز روایات فراوانی که درباره محیط زیست و حقوق موجودات زیستی نقل شده و نیز با توجه به آموزه های دینی که از یک قانون نظام مند تبعیت می کند می توان نتیجه گرفت که تسخیر در حقیقت یک نوع دعوت برای بهره‌برداری از نعمت‌های موجود در آسمان و زمین است، اما تجاوز به نوامیس و بر زدن توازن زیست محیطی و تغییرات غیر معقول برخلاف شکر گزاری و تبدیل آن به کفران نعمت است. بنابراین، سلطه ای که خداوند به انسان عطا کرده سلطه نامحدود و بی قید و شرط نیست. اما سلطه ای که نگرش سکولار بعد از رنسانس به شکل انسان مداری به بشریت هدیه کرد، سلطه ای رها از هرگونه محدودیت بود و همین باعث تخریب محیط زیست شده است.^۱

همین انسان خاکی که اکنون مطلق شده، به نام رفاه اقتصادی جنگل های وسیعی را تخریب می کند. بی آنکه لحظه ای به عواقب آن بر نسل های آتی بشر یا دیگر مخلوقات این جهان بیندیشد. اسلام هرگز اجازه نداده است انسان با تحقیر خدا یا عالم خلقتش خود را تکریم کند. (نصر 1379، ص 226 و 225)

2.2. زهدگرایی

آخرت گرایی و به تعبیر دیگر زهد گرایی و موقت‌انگاری دنیا و جاودانگی جهان دیگر یکی دیگر از آموزه‌هایی است که معترضین به آن تمسک جسته و معضلات زیست محیطی را به ادیان نسبت می‌دهند. مستند این ادعا کتاب مقدس است که می‌گوید: «بکشید هر چیزی را که در شما فقط به زندگی زمین تعلق دارد. آنچه در بالاست بطلبید، در آنجایی که مسیح است، به دست راست خدا نشست. در آنچه بالاست تفکر کنید، نه در آنچه بر زمین است». (رساله پولس رسول به کولسیان، باب سوم، آیه 2-5)

برداشت ناصواب از آموزه‌های زهد، قناعت و توجه به آخرت در قرآن و روایات نیز این زمینه را ایجاد کرده است که مسلمانان توجهی به دنیایی که در آن زندگی می کنند نداشته و دنیا را بسان مسافرخانه ای بیندارند که توقف کوتاهی در آن داشته و بنابراین در صدد آبادانی آن نیستند.

این حقارت نسبت به زمین اگر با نوعی سیطره انسانی خصمانه و نیاز انسان ها به اینکه از طریق کار، بدن سرکش خود را تحت انضباط در آورند پیوند یابد، می تواند

۱. برای اطلاع بیشتر در رابطه با نگرش مدرن و انتقادهای پست مدرن در خصوص بحران محیط زیست ر.ک: عبداللہی 1382، ص 67.

چارچوبی اخلاقی برای تأیید بهره‌کشی بی‌رویه و نخوت آمیز که جزء بحران محیط زیست است فراهم آورد. (ملکیان 1385، ص 373)

نقد و بررسی

زهد در لغت به معنای اعراض و بی‌میلی در مقابل رغبت، یعنی میل و کشش، به کار رفته است. چنان‌که در *المنجد فی اللغة و الاعلام* آمده است و در *المعجم الوسیط* نیز آمده: الزهاده فی الشیء: خلاف الرغبه فیه.

میل نداشتن به چیزی به دو شکل قابل تصور است: بی‌میلی طبیعی و بی‌میلی روحی. بی‌میلی طبیعی مثل اینکه طبع انسان نسبت به چیزی رغبت و تمایلی نداشته باشد؛ مانند میل نداشتن بیمار به غذا. این بی‌میلی را زهد نمی‌گویند. بی‌میلی روحی یا عقلی یا قلبی، یعنی اینکه انسان چیزهایی را که مورد طبع و رغبت اوست از نظر اندیشه و ذهن و هدف، مقصود نهایی او قرار نگیرد، بلکه کمال مطلوب انسان اموری فراتر از امور دنیایی باشد. بنابراین، زهد در قلمرو اندیشه و آرزو قرار می‌گیرد، نه بی‌رغبتی در ناحیه طبیعت و زندگی بر روی زمین.

علی (ع) زهد را چنین تفسیر کرده است: زهد در دو کلمه قرآن فراهم است؛ خداوند فرمود: بر آنچه (از مادیات دنیا از شما فوت می‌شود) از دستتان رفته دریغ نخورید و بر آنچه به شما رسیده شادمان مباشید. هر کس بر گذشته دریغ نخورد و برای آینده شادمان نشود بر هر دو جانب زهد دست یافته است. (نهج‌البلاغه 1373، حکمت 439) در روایتی از امام کاظم (ع) چنین آمده است: برای خود بهره‌ای از دنیا بگیری و آنچه خواهش حلال باشد و به جوانمردی رخنه نکند و اسراف نباشد، منظور دارید و به این وسیله برای انجام امور دین یاری جویید. زیرا روایت شده که از ما نیست کسی که دنیایش را برای دینش واگذازد و یا دینش را برای دنیایش از دست بدهد. (الحرانی، 1398، ص 433، 18)

موقت‌انگاری دنیا از نظر دین و قرآن برای این است که انسان دچار غفلت و سرکشی و طغیان نشود تا به واسطه این طغیان، فساد و تباهی را در این کره خاکی گسترش ندهد.

آیات زیادی از قرآن نیز بر اهمیت دادن به دنیا و استفاده از نعمت‌های آن تأکید کرده است: ای پیامبر بگو زیورهایی که خداوند برای بندگانش پدید آورده و (نیز)

روزی‌های پاکیزه را چه کسی حرام کرده است؟ بگو این نعمت ها در زندگی دنیا برای کسانی است که ایمان آورده‌اند و روز قیامت نیز ویژه آنان است.^۱
 ه ان ای کسانی که ایمان آورده اید، چیزهای پاکیزه ای را که خدا برای استفاده شما حلال کرده است حرام بشمارید و از حکم خدا تجاوز نکنید که خدا تجاوزکنندگان را بی‌گمان دوست ندارد.^۲ در این دو آیه خداوند عناصر مورد استفاده ایمان آوردندگان را با واژه طبیعت بیان می‌کند که خود نوعی ارزش قائل شدن برای طبیعت و عناصر آن است و این نگرش را که مردم با ایمان نباید از نعمت های دنیایی استفاده کنند، نادرست دانسته و استفاده از امکانات دنیا را برای آنان مورد تأیید قرار می‌دهد.

2.5. فقدان زمینه‌های اخلاقی

این اشکال، صرف نظر از یک دین خاص، به اصل اعتقاد به دین بر می‌گردد. بر اساس این اشکال، اصل دینداری و اعتقاد به خداوند سبب می‌شود انسان خود را ملزم به حفظ محیط زیست و تلاش برای ایجاد مبنای اخلاقی متقن در آن جهت نداند.
 جان پاسمور، فیلسوف و بوم شناس استرالیایی، در تأیید این مطلب می‌گوید: «اگر انسان ها خود را همان گونه که هستند، کاملاً تنها بدون آنکه هیچ کسی جز هموعانشان آنان را یاری کند، محصولات فرآیندهای طبیعی بدانند که نسبت به بقای آنها کاملاً بی تفاوت‌اند، در این صورت با مشکلات بوم شناختی خود، با تمام مقتضیاتشان مواجه می‌شوند. آنها ن ه از طریق تعلیم، بلکه از طریق طرد کامل ایده قدسی، به آن درک تلخ نائل می‌شوند». (Passmor, 1974, p. 148)
 هات نیز می‌گوید: «دلمشغولی به یک معنای کیهانی غایی دوررس، ضرورت را از تعهد اخلاقی کنونی ما به بقای زمین بر می‌دارد. بی‌وطنی جهانی که دین حکایت از آن دارد، نمی‌تواند به اندازه کافی انرژی اخلاقی فراهم کند تا به نهضت بوم شناسی کمک کند». (هات: 1382، ص 303)

۱. قُلْ مَنْ حَرَّمَ زِينَةَ اللَّهِ الَّتِي أَخْرَجَ لِعِبَادِهِ وَ الطَّيِّبَاتِ مِنَ الرِّزْقِ قُلْ هِيَ لِلَّذِينَ ءَامَنُوا فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا خَالِصَةً يَوْمَ الْقِيَامَةِ كَذَلِكَ تَفْصِلُ الْآيَاتِ لِقَوْمٍ يَعْلَمُونَ. (اعراف: 32)
 ۲. يَا أَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا لَا تُحَرِّمُوا طَيِّبَاتِ مَا أَحَلَّ اللَّهُ لَكُمْ وَ لَا تَعْتَدُوا إِنَّ اللَّهَ لَا يُحِبُّ الْمُعْتَدِينَ. (مائده: 87)

نقد و بررسی

قرآن با پیوند زدن میان طبیعت و ماورای طبیعت و با پیام‌های آموزنده خود به انسان، می‌تواند مبنایی استوار برای اخلاق زیست‌محیطی فراهم کند. نصر به توجه خاص قرآن در این باره اشاره می‌کند: «... سخن قرآن به عنوان کتاب مقدس حنیف نه تنها متوجه مردان و زنان، بلکه متوجه کل جهان است. طبیعت به یک معنا در وحی قرآنی سهیم است... قرآن مرزبندی قاطعی میان امر طبیعی و امر فوق طبیعی یا میان عالم انسانی و عالم طبیعی ترسیم نمی‌کند. نفسی که پرورده و قائم به قرآن است، عالم طبیعت را دشمن طبیعی نمی‌شمارد که باید بر آن چیرگی یافت و مقهور ساخت، بلکه به عنوان جزء مکمل جهان دینی انسان به آن می‌نگرد که در حیات زمینی‌اش و به یک معنا حتی در سرنوشت نهایی او هم شریک اوست. (نصر 1379، ص 213 و 215) دانشمندان غیر مسلمان نیز به این ارتباط اعتراف کرده‌اند. هات معتقد است با اخلاق مرتبط با حوزه فوق طبیعی، انسان قادر به تسکین و کاهش بحران زیست‌محیطی خواهد بود؛ چنان که خارج کردن خداوند از حوزه زندگی و فراهم آوری عقل‌گرایی و انسان‌مداری برای پر کردن خلأ بیرون راندن خدا توسط سکولاریسم به انسان اجازه نابودی محیط زیست را داده است. (هات 1382، ص 306 و 305) پتریک دوپل نیز طرز تلقی ادیان ابراهیمی را نوعی اخلاق خلافت می‌داند و معتقد است: «میراث دینی ما در طبیعت به فروتنی و نه نخوت امر می‌کند. اعتقاد گروهی از طبیعت‌گرایان بر این است که سیاست‌های زیست‌محیطی در اجرا نیازمند فرهنگ دینی هستند. آنها به نقش تاریخی مذهب در حفاظت از محیط زیست اشاره کرده و چنین استناد می‌کنند که از دست دادن ارتباط معنوی با طبیعت، اجرای سیاست‌های حفاظتی را دشوار کرده است. گروهی دیگر حضور عامل مذهب را نه تنها در اجرا، بلکه در سیاست‌گذاری‌ها نیز ضروری می‌دانند و به دنبال ارائه نوعی الاهیات زیست‌محیطی هستند که قداست زمین را تبیین کند (حق‌شناس و ذاکری 1387؛ ملکیان 1385، ص 363)

2.3. بی‌تفاوتی مجامع دینی

برخی از دانشمندان منتقد در رابطه با تعارض آموزه‌های دینی با اصول حفاظت از محیط زیست از زاویه دیگری به مسئله نگاه کرده و می‌گویند: مجامع دینی در مقابل این بحران سکوت اختیار کرده و هیچ‌گونه عکس‌العملی نشان نداده‌اند. ضمن اینکه متون دینی نیز راجع به تخریب محیط زیست ائتلاف منابع و آلودگی و دیگر موضوعات زیست‌محیطی سخنی برای گفتن نداشته

و ادبیات بسیار ضعیفی دارند. حتی برخی از مبلغان دینی هنوز مسئله رشد جمعیت و تأثیر آن بر تخریب محیط زیست را نادیده گرفته و نسبت به آن بی‌توجه‌اند. (Train, 1990, pp. 664-65)

هات نیز در این زمینه در تبیین دیدگاه تالاقی می‌گوید: در حقیقت، موقعیت کنونی، تفکر کاملاً نوینی را در مورد بعضی از آموزه های اساسی ادیان خداپاور می‌طلبد. بحران محیط زیست واقعاً بی‌سابقه است و ما نمی‌توانیم انتظار داشته باشیم که آثار کلاسیک ما پاسخ‌هایی آماده برای آن داشته باشند یا اینکه پس از آگاه شدن از گرفتاری‌های پرمخاطره محیط زیست بتوانیم به متون قدیمی همچون گذشته نظر کنیم. (هات، 1382، ص310)

نقد و بررسی

قضاوت منتقدین به طور معمول متأثر از مشاهدات و مطالعات آنان از فضای حاکم بر مجامع دینی و آموزه‌های مسیحیت درباره محیط زیست است، اما اینکه از اسلام و مجامع دینی اسلامی سخنی به گوش غرب و غربیان نرسیده ناشی از عدم شناخت کافی دانشمندان غربی از مجامع اسلامی است. همچنان که این دانشمندان نقش استیلاطلبی و استعمار جهانی غرب نسبت به کشورهای جهان سوم به ویژه کشورهای اسلامی را در این ارتباط نادیده می‌گیرند و مجامع دینی اسلامی آنقدر سرگرم و درگیر ستیز با نفوذ استعماری غرب بوده‌اند که مجال چندانی برای پرداختن به مسئله محیط زیست طبیعی نیافته‌اند. این در حالی است که آیات فراوانی از قرآن و روایات بسیاری از کلام معصومان به صورت مستقیم و یا غیر مستقیم مسلمانان را بر حفظ محیط زیست و احترام حقوق جانوران و حتی گیاهان توجه داده‌اند.

2.4. اعتقاد به منجی

آموزه نجات‌بخشی در ادیان نیز یکی دیگر از آموزه‌هایی است که محیط زیست‌گرایان غربی به آن استناد کرده و ادیان را به واسطه آن متهم به ضدیت با محیط زیست می‌کنند. هات در این زمینه چنین می‌گوید: «قائل شدن به یک نجات‌بخش الاهی در آینده سبب می‌شود تا انسان دست از این جهان برداشته و نسبت به آن بی‌توجه باشد. و این نگاه با اصل اساسی اخلاق زیست‌محیطی در تعارض است». (همان، ص303)

نقد و بررسی

آرمان نجات‌بخشی در ادیان یک فلسفه بزرگ اجتماعی برای ادیان است. این آرزو علاوه بر اینکه الهام‌بخش ایده و راهگشایی به سوی آینده روشن است، تصویرساز مناسبی برای آگاهی از آرمان‌ها و اهداف ادیان به شمار می‌رود.

انتظار موعود ادیان در ابعاد گوناگون حیات انسانی، آثار ژرفی می‌گذارد و بیشترین اثرگذاری آن در بعد تعهد ها و مسئولیت های اجتماعی و احساس دیگر خواهی و انسان‌دوستی و آشتی با طبیعت عینیت می‌یابد. احتمال اینکه نسل هفتم یا دهم یا حتی دوم و سوم پا به عرصه وجود نگذارند، سلب مسئولیت از انسان نسل حاضر در عمران و آبادی زمین نمی‌کند.

نگرش مثبت به آینده، گسترش عمران و آبادانی در تمام زمین، حداکثر بهره‌گیری از مواهب زمین، استقرار مساوات کامل میان انسان ها و منتفی شدن کامل مفاسد اخلاقی، برخی از ویژگی های مشترکی است که در میان همه ادیان معتقد به منجی وجود دارد و تلاش برای رسیدن به این آرمان ها، نه تنها تخریب محیط زیست را سبب نمی‌شود، بلکه موجبات تعالی آن را نیز فراهم می‌کند.

با توجه به آنچه گذشت، طبیعت زیاده خواهی در انسان اقتضای استفاده بی‌رویه از این منابع و تعدی به حقوق دیگران را در حوزه منابع زیست محیطی دارد. از طرفی برداشت های ناصواب از آموزه های دینی و به طور خاص آیات قرآن، این وضعیت را تشدید کرده و نتیجه آن تخریب و آلودگی محیط زیست، تحمیل هزینه اقتصادی بر جامعه و کاهش رفاه اجتماعی خواهد بود. در حالی که برداشت صحیح از این آموزه ها، ظرفیتی ایجاد می‌کند که به عنوان مانعی محکم در برابر غریزه زیاده خواهی انسان قرار گرفته و زمینه هر گونه تخریب را از بین برده و حتی موجب ارتقای محیط زیست می‌شود. از طرفی برخی از این شبهات خود با یکدیگر ناسازگارند. زیرا بر اساس شبهه تسخیر انسان به دنبال استفاده حداکثری از منابع زیست محیطی بوده و تقاضای او برای هر گونه خواست معقول و غیر معقول، مشروع و غیر مشروع افزایش می‌یابد و برای پاسخگویی به این تقاضاها در پی استفاده بی‌مهابا از منابع زیست محیطی می‌رود، در حالی که بر اساس شبهه زهد گرایی و نجات‌بخشی، افراد بی‌رغبتی به دنیا پیدا کرده و در نتیجه استفاده و مصرف کمتری از منابع زیست محیطی خواهند داشت. و این ناسازگاری نشانه برداشت نادرست از این آموزه‌هاست.

مطالعه دیدگاه های مختلف زیست محیطی و مبانی فلسفی و اخلاقی آنها هر انسان منصفی را به این نتیجه می رساند که پیدایش بحران محیط زیست ناشی از انسان مدارای افراطی و دوری بشر از معنویات و باور های دینی بوده است؛ و راه چاره این است که انسان دست از انسان مدارای افراطی برداشته و مبانی اخلاقی دینی را سرلوحه رفتارهای خود به ویژه رفتارهای زیست محیطی قرار دهد تا از این بحران سربلند گذر کرده و به سر منزل مقصود نائل آید . آموزه های دینی این قدرت، ظرفیت و توانایی را دارد که با تقویت انگیزه ایمان در انسان ها و شرافت و کرامت بخشیدن به آنان انسان ها را به گونه ای تربیت کند که رفتاری کریمانه، مهربان و توأم با احترام نسبت به همه مظاهر طبیعت و محیط زیست داشته باشند.

با تبیین و ترسیم الگوهای مبتنی بر آموزه های دینی می توان محیط زیستی سالم و به دور از آلودگی برای بشر فراهم کرد . مبانی و آموزه های دینی به ویژه قرآنی با پیوند وثیقی که میان پدیده ها و عناصر طبیعت با ماورای طبیعت برقرار می کند ظرفیت گسترده ای برای حفظ، نگهداری و پایداری منابع طبیعی و زیست محیطی بشر فراهم می کند.

3. اصول و مبانی تشکیل دهنده نظام زیست محیطی در اسلام

نظام زیست محیطی برگرفته از آموزه های اسلامی هماهنگ با نظام اقتصادی و دیگر نظام هایی که تشکیل دهنده نظام اجتماعی اسلام هستند، بر اصولی استوار شده است که به خوبی می تواند رفتارهای مسلمانان را در راستای تحقق اهداف نظام شکل داده و جامعه ای توسعه یافته را نوید دهد که در آن جامعه امیال زودگذر عده ای خاص، آرمان های اصیل افراد این نسل و نسل های بعد را قربانی نخواهد کرد و به عبارت دیگر، حفظ محیط زیست و عدالت درون نسلی و بین نسلی و در یک کلام توسعه پایدار را به ارمغان خواهد آورد. در ادامه برخی از این اصول را مرور می کنیم.

3.1. اصل حرمت ظلم

ممنوعیت ظلم اگرچه یک حکم عقلی است، اما قرآن نیز بر این حکم عقل صحه گذاشته و آن را مورد تأکید قرار می دهد. بر این اساس، انسان باید در رفتارهای خود درباره محیط زیست از هرگونه ظلم و ستم به انسان های دیگر اعم از نسل موجود و نسل های آینده و ظلم بر دیگر موجودات پرهیز کند و شکی نیست که هر فعالیتی که به نحوی تخریب یا آلودگی زیست محیطی

را به دنبال داشته باشد از مصادیق بارز ظلم بوده و حرام است و لذا مورد تأیید خداوند نخواهد بود.

آیات زیادی از قرآن بیانگر حرمت و ممنوعیت ظلم است . خداوند برای کسانی که ستمگری پیشه می‌کنند وعده عذاب داده است.^۱ (زخرف:65؛ فرقان:19)

در آیات یاد شده ظلم به طور مطلق آمده است و هر نوع ظلمی را شامل می‌شود، چه ظلم به دیگر انسان ها در زمان حال یا نسل های آینده یا ظلم به دیگر موجودات جهان هستی که تخریب و آلوده کردن محیط زیست ظلمی آشکار به ساحت حیات مادی و معنوی انسان‌ها محسوب می‌شود.

3.2. اصل ممنوعیت اتلاف منابع و زیان‌رسانی به محیط زیست

معمولاً افراد و بنگاه‌های اقتصادی به دنبال بیشینه کردن سود خود هستند، در نتیجه ممکن است با فعالیت‌های اقتصادی خود باعث تخریب و آلودگی محیط زیست شوند. «آلوده ساختن هوا، آب دریاها و رودخانه‌ها، فعالیت‌های تأثیرگذار بر لایه ازن از مصادیق تخریب طبیعت هستند و در پی آن پیامدهای دیگری مانند کوتاه شدن عمر انسان، شیوع بیماری‌ها به ویژه بیماری‌های پوستی و از بین رفتن برخی گونه‌های گیاهی و حیوانی را به دنبال خواهد داشت و طبق قاعده لاضرر، قاعده اتلاف و تسبیب، مسبب این پیامدها گناهکار بوده، از نظر حکم وضعی نیز ضامن است.» (فراهانی فرهنگ، 1385، ص 105)

مستند قاعده اتلاف هم کتاب و هم سنت، و هم اجماع و بنای عقلاست . (محقق داماد، 1378، ص 109)

3.3. قاعده لاضرر

قاعده لاضرر از کاربردی‌ترین قواعد فقهی است که فقها رساله‌های مستقل و غیر مستقلی در ابعاد گوناگون آن به رشته تحریر در آورده‌اند. بر اساس این قاعده، هیچ کس حق ندارد فعلیتی انجام دهد که به زیان دیگری بینجامد، و در صورتی که هرگونه ضرر و زیانی از جانب او به دیگری وارد شود، هرچند این کار او به منظور اعمال حق خویش باشد، ضامن جبران خسارت وارده است. بر همین مبنا، هر خانوار یا بنگاهی که با مصرف یا تولید خود باعث آلوده سازی محیط زیست پیرامون خود شود، از نظر شرعی ضامن است و در مواردی که زیان‌دیده جامعه یا نسل‌های آینده باشد، دولت موظف است به نمایندگی از عموم مردم به احقاق حقوق آنان بپردازد.

۱. قَوْلُ الَّذِينَ ظَلَمُوا مِنْ عَذَابِ يَوْمِ أَلِيمٍ (زخرف:65)؛ وَمَنْ يَظْلِمْ مِنْكُمْ نَفْسًا كَبِيرًا (فرقان: ۱۹)

این قاعده علاوه بر مستندات شرعی^۱ دلایل عقلی محکمی نیز دارد. در واقع، باید گفت که مدلول این قاعده جزو مستقلات عقلی^۲ است و مهم‌ترین دلیل بر حجیت آن مدرک و منبع چهارم فقه یعنی عقل است. به عقیده نایینی عمده‌ترین دلیل برای قاعده لاضرر کلام پیامبر ذیل روایت سمره است. (همان، ص 134)

3.4. اصل وجوب حفظ نظام اجتماعی

یکی از مسلمات فقه اسلامی که همه فقهای عظام بر آن اتفاق نظر دارند حفظ نظام اجتماعی به معنای عام است. حفظ نظام اجتماعی از اوجب واجبات است و هرج و مرج و اختلال در امور مسلمانان مبعوض‌ترین چیزها نزد خداوند است. (المنتظری، 1409، ص 187)

فروعات متعددی از این اصل متفرع می‌شود؛ مانند عدم جواز اختلال در بازار مسلمین، عدم جواز اختلال در امنیت راه‌ها، عدم اختلال در نظام بهداشتی جامعه و نیز عدم اختلال در نظام زیست‌محیطی.

3.5. اصل ممنوعیت اسراف و تبذیر

مقصود از اسراف چنان که علمای لغت گفته‌اند: تجاوز از حد است (راغب اصفهانی، 1416، ص 407)؛ تبذیر نیز در لغت به معنای تباهی، تلف کردن و زیاده‌روی در انفاق آمده است. تبذیر در عرف مردم به معنای ریخت و پاش مال است؛ زیرا صرف مال بدون غرض عقلایی همان تبذیر و از بین بردن ثروت است. به همین سبب می‌توان گفت فرق اسراف و تبذیر این است که اسراف اتلاف مال از نظر کمی است، ولی تبذیر اتلاف مال از نظر کیفی است. اسراف از نظر قرآن حرام است و در قرآن در آیات متعددی به طور مؤکد از آن نهی شده است:

هرگز اسراف و تبذیر مکن، چراکه تبذیرکنندگان برادران شیطان‌اند.^۲
و بخورید و بیاشامید اما زیاده روی نکنید که او بی گمان اسراف کاران را دوست نمی‌دارد.^۳
و زیاده‌روی مکنید که همواره خدا اسراف کاران را دوست نمی‌دارد.^۱

۱. لَا تُضَارَّ وَالِدَةٌ بِوَلَدِهَا وَلَا مَوْلُودٌ لَهُ بِوَالِدِهِ (بقره: 233)؛ انک رجل مضار و لا ضرر و لا ضرار علی مؤمن. (الکلبینی الرازی، 1367، ص 292 و 294)

۲. وَلَا تُبَذِّرْ تَبْذِيرًا * إِنَّ الْمَبْذِرِينَ كَانُوا إِخْوَانَ الشَّيَاطِينِ. (اسراء: 26 و 27)

۳. کُلُوا وَاشْرَبُوا وَلَا تُسْرِفُوا إِنَّهُ لَا يُحِبُّ الْمُسْرِفِينَ. (اعراف: 31)

و زیاده روها (هم) آنان همدمان آتش‌اند.^۲
 همانا خدا کسی را که زیاده‌رو بس دروغ زن است هدایت نمی‌کند.^۳
 این آیات بیانگر این است که اگر انسان در کاربرد هر چیزی از حد معمول و متعارف آن خارج شود و بیش از نیازهای خود مصرف کند یا حتی در کاربرد و استفاده از منابع جهت تولید زیاده روی کند، عنوان مسرف بر او اطلاق می‌شود. بر اساس تعریفی که از دو واژه اسراف و تبذیر شد ارتباط این دو با معنای کارایی اقتصادی روشن می‌شود. کارایی به معنی استفاده مؤثر از عوامل تولید و بهترین تخصیص ممکن در منابع است و بنابراین هر نوع زیاده روی و یا استفاده ناشایست از این عوامل که از مصادیق اسراف و تبذیر محسوب می‌شود با کارایی اقتصادی ناسازگاری دارد. (سبحانی، 1373، ص121)

مطابق روایات، اسراف پیامدهای ناگواری به دنبال دارد که مهم ترین آن از بین رفتن برکت و پدیدار شدن فقر است. (حر عاملی، بی تا، ج12، ص41، ح1) روشن است که استفاده درست از منابع تولید، افزایش تولید را به همراه داشته و قناعت در مصرف و زیاده‌روی نکردن در آن نیز به حفظ منابع زیست محیطی کمک کرده و از تضییع حقوق دیگران جلوگیری خواهد کرد. و این‌ها منتهی به نتیجه برکت و توانگری در جامعه خواهد بود.

3.6. اصل اقتصاد و میانه‌روی

یکی از آموزه‌های دینی که در همه رفتارها و فعالیت‌های انسان می‌تواند ایفای نقش کند اصل اقتصاد و میانه‌روی است. این اصل به ویژه در مسائل زیست محیطی اهمیت زیادی دارد و می‌تواند مبنای مستح‌کمی برای سیاست‌گذاران حوزه مرتبط با محیط زیست^۴ چه در بعد تولید و چه در بعد مصرف که هر دو در بحران و یا کاهش بحران محیط زیست نقش اساسی دارند^۵ باشد. نهادینه شدن این آموزه در جامعه آثار مثبت بسیاری را نصیب جامعه می‌کند، آثار جسمی، روحی، روانی، اقتصادی که همه اینها در رفتار با محیط زیست نیز مؤثر است. این اصل از

۱. وَلَا تُسْرِفُوا إِنَّهُ لَا يُحِبُّ الْمُسْرِفِينَ. (انعام: ۱۴۱)

۲. وَأَنَّ الْمُسْرِفِينَ هُمْ أَصْحَابُ النَّارِ. (غافر: ۴۳)

۳. إِنَّ اللَّهَ لَا يَهْدِي مَنْ هُوَ مُسْرِفٌ كَذَّابٌ. (غافر: ۲۸)

بسیاری از آیات مانند: آیه 81 سوره طه، 67؛ سوره فرقان، 219؛ سوره بقره، 87 و 88؛ سوره مائده و روایات قابل استخراج و استنباط است.^۱

3.7. اصل ممنوعیت فساد در زمین

فساد در لغت به معنای تلف کردن و ضرر و زیان رساندن آمده است. فساد در زمین یکی از موانع دستیابی به اهداف زیست‌محیطی است که خداوند در قرآن از آن نهی فرموده؛ نظام هستی را خداوند متعال بر اساس مصالح آفریده و به عنوان بهترین خلق کنندگان همه چیز را به اندازه آفریده است، به گونه‌ای که مجموعه هستی در سیستمی واقع هستند که جابه جایی در یکی از آنها بر کلیه موجودات دیگر تأثیر می‌گذارد. بر همین اساس، در آیات متعددی از ایجاد فساد در این نظام با عظمت نهی کرده‌اند: در آیه دیگری مصداق بارز مفسدان روی زمین کسانی ذکر شده‌اند که آن را تخریب کرده و کشت و نسل را نابود می‌کنند.^{۲ و ۳}

تمام کسانی که به شکل های گوناگون امکان استفاده از زمین را از بین برده یا با آلوده کردن هوا، اسراف در مصرف منابع و ... زمینه نابودی نسل های آینده را فراهم می‌کنند مشمول این آیه خواهند شد.

در آیه دیگر، خداوند کسانی را که به تخریب مظاهر زیبای او دست زده و نظام باشکوه آفرینش را به آلودگی تباه می‌کنند نکوهش کرده و مشکلات روی زمین را ناشی از اعمال انسان‌های فاسد قلمداد می‌کند:

با دستاوردهای بشر، فساد در خشکی و دریا نمودار شد، تا خدا بعضی از آنچه را که کرده‌اند به آنان بچشاند شاید باز گردند.^۴

این آیه به نظر می‌رسد اشاره به آثار وضعی رفتار و دستاوردهای بشری دارد که همیشه این‌گونه نیست که خداوند به طور معجزه آسا جوامع انسانی را عذاب کند، بلکه سنت الاهی این گونه است که هرگونه فساد در نظام هستی، از جمله محیط زیست انسانی که خداوند آن را موزون و به اندازه آفرید ه است، عکس العملی از سوی همین نظام به همراه خواهد داشت که گریبان انسان را خواهد گرفت.

۱. برای اطلاع از روایات در این زمینه ر.ک: حکیمی، 1367، ص 227 و 203؛

۲. وَ لَا تُفْسِدُوا فِي الْأَرْضِ بَعْدَ إِصْلَاحِهَا. (اعراف: ۵۶)

۳. وَإِذَا تَوَلَّى سَعَى فِي الْأَرْضِ لِيُفْسِدَ فِيهَا وَيُهْلِكَ الْحَرْثَ وَالنَّسْلَ وَاللَّهُ لَا يَجِبُ الْفَسَادَ. (بقره: ۲۰۵)

۴. ظَهَرَ الْفَسَادُ فِي الْبَرِّ وَالْبَحْرِ بِمَا كَسَبَتْ أَيْدِي النَّاسِ لِيُذِيقَهُمْ بَعْضَ الَّذِي عَمَلُوا لَعَلَّهُمْ يَرْجِعُونَ. (روم: 4۱)

4. نتیجه‌گیری

منابع زیست‌محیطی نقش قابل توجهی در توسعه اقتصادی کشورها داشته و به همین جهت توجه خاص اقتصاددانان و برنامه‌ریزان اقتصادی را به همراه دارد. استفاده بی‌رویه از این منابع، علاوه بر تحمیل هزینه‌های آلودگی بر جامعه، رفاه اقتصادی را کاهش داده و پایداری توسعه را مختل می‌کند. در ریشه‌یابی علل تخریب محیط زیست، برخی از بوم‌شناسان، اندیشه‌های دینی را مطرح کرده و یا دست کم نقش آنان را در جلوگیری از این بحران، خنثی قلمداد کرده‌اند. در این مقاله، برخی از آموزه‌های دینی‌ای را که برداشت نادرست از آنان زمینه تخریب محیط زیست را ایجاد می‌کند طرح کرده و با مطالعه سایر آموزه‌های دینی و نیز تعالیم ناب قرآن و روایات نتیجه گرفتیم که ادیان الهی به ویژه دین اسلام از ظرفیت‌هایی برخوردار است که نه تنها زمینه تخریب محیط زیست را فراهم نمی‌کند بلکه در برابر آن ایجاد مانع کرده و با تربیت مسلمانانی معتقد به مبدأ و معاد آنان را نسبت به حقوق هموعان خود و نیز حقوق گونه‌های گیاهی و حیوانی توجه داده و با معرفی نظام زیست‌محیطی کامل زمینه ارتقای محیط زیست را فراهم می‌کند. این نظام بر پایه اصول و مبانی‌ای استوار است که ریشه در آیات قرآن و روایات دارند. در این مقاله، این اصول را بررسی کرده و ملاحظه کردیم که رعایت این اصول، هزینه‌های اقتصادی محیط زیست را کاهش داده و رفاه جامعه را افزایش می‌دهد و زمینه توسعه پایدار را فراهم خواهد کرد.

فهرست منابع

۱. القرآن الکریم 1382، ترجمه: محمد صادقی تهرانی، انتشارات کلیدر، چاپ اول.
۲. مصطفی، ابراهیم و... 1989، المعجم الوسیط، اسلامبول، دار الدعوه.
۳. ابن ابی الحدید 1404، شرح نهج البلاغه، تحقیق: محمد ابوالفضل ابراهیم، منشورات مکتبه آیه الله العظمی المرعشی النجفی.
۴. الاندلسی الغرناطی، محمد بن یوسف الشهیر بابی حیان، 1992/1412، البحر المحیط فی تفسیر القرآن، الجزء السادس، بیروت، دار الفکر.
۵. بن سن، جان 1382، اخلاق زیست‌محیطی، محمد مهدی رستمی شاهرودی، تهران، انتشارات سازمان محیط زیست، ج 1.
۶. جان. اف. هات 1382، علم و دین، بتول نجفی، قم، کتاب طه، چاپ اول.
۷. جوادی آملی، عبدالله 1386، اسلام و محیط زیست، قم، مرکز نشر اسراء.

۸. جوادی، محسن، 1387، «انسان‌محوری در اخلاق زیست‌محیطی با تأکید بر نگرش اسلامی»، در: مقالات و بررسی‌ها، دفتر 90.
۹. جمعی از محققان حوزوی و دانشگاهی سازمان حفاظت از محیط زیست، 1378، مجموعه مقالات اولین همایش اسلام و محیط زیست.
۱۰. حرانی، ابی محمد بن حسن بن علی بن الحسین بن شعبه، 1398، تحف العقول، تهران، کتابفروشی اسلامیة.
۱۱. حرعاملی، محمد بن حسن، وسائل الشیعه، قم، مؤسسه آل‌البیت، ج 12.
۱۲. حسینی، سید فضل‌الله، محسن عمیق، 1385، اخلاق زیست محیطی در اسلام، انتشارات استاد مطهری.
۱۳. حق‌شناس، محمد و ذاکری، سید حسین، 1387، «جست وجوی مفاهیم اخلاق زیست‌محیطی در آموزه‌های اسلامی»، در: فصلنامه اخلاق در علوم و فناوری، س 3، ش 1 و 2.
۱۴. حکیمی، محمد، 1374، عصر زندگی، قم، دفتر تبلیغات اسلامی.
۱۵. الحکیمی، محمدرضا و 1367، الحیاه، الجزء الرابع، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، الطبعة الاولى.
۱۶. الخشن، حسین، 2004، الاسلام والبیئه خطواط نحو فقه بیئی، دارالهادی، مرکز دراسات فلسفه الدین فی بغداد.
۱۷. درخشان، مسعود، 1366، نظام‌های اقتصادی، جزوه درسی دانشکده اقتصاد دانشگاه تهران، جمع‌آوری دفتر تحقیقات اقتصادی دانشگاه امام صادق (ع).
۱۸. راغب اصفهانی، 1966، مفردات الفاظ القرآن، دمشق، دارالعلم.
۱۹. سبحانی، حسن، 1373، نظام اقتصادی اسلام، مرکز چاپ و نشر سازمان تبلیغات اسلامی، چاپ اول.
۲۰. صادقی، حسین و فراهانی فرد، سعید، 1382، «محیط زیست از منظر دین و اقتصاد»، در: اقتصاد/اسلامی، قم، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه.
۲۱. 1382-----، «محیط زیست از منظر دین و اقتصاد»، در: اقتصاد/اسلامی، ش 10، قم، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه.
۲۲. صدر، سید محمدباقر، 1357، اقتصاد ما، عبدالعلی اسپهبدی، انتشارات اسلامی، چاپ دوم، ج 2.
۲۳. طالقانی، سید محمود، 1350، پرتوی از قرآن، تهران، شرکت سهامی انتشار، ج 2.
۲۴. 1350-----، پرتوی از قرآن، سهامی انتشار، تهران، ج 2.

۲۵. الطباطبایی، محمدحسین، بی تا، *المیزان*، الجزء السابع، قم، منشورات جامعه المدرسين.
۲۶. -----، بی تا، *المیزان*، قم، منشورات جماعه المدرسين فی الحوزه العلمیه.
۲۷. الطوسی، ابی جعفر محمد بن الحسن، *التبیین فی تفسیر القرآن*، بیروت، دار احیاء التراث العربی، ج 4.
۲۸. الطوسی، محمد ابن الحسن المبسوط، 1387، *فی فقه الامامیه*، کتاب الغصب، الطبعة الثالثة، تهران، المكتبه المرتضویه لاحیاء الآثار الجعفریه، ج 3.
۲۹. عبداللهی، داوود، 1382، «بحران زیست محیطی در هزاره سوم و توسعه پایدار»، در: *فصلنامه علوم و تکنولوژی*، ش 19.
۳۰. عبدالباقی، محمد فؤاد، 1385، *المعجم المفهرس لالفاظ القرآن الکریم*، قم، نوید اسلام.
۳۱. عمید، حسن، 1361، *فرهنگ عمید*، تهران، انتشارات امیر کبیر، چاپ هفدهم.
۳۲. فخر رازی، محمد بن عمر، 1379، *تفسیر الکبیر*، علی اصغر حلبی، اساطیر، چاپ اول، ج 5.
۳۳. فراهانی فرد، سعید، 1385، «محیط زیست: مشکلات و راه‌های برون رفت از منظر اسلام»، در: *اقتصاد اسلامی*، ش 22، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.
۳۴. -----، 1381، *سیاست‌های اقتصادی در اسلام*، تهران، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.
۳۵. *کتاب مقدس* (ترجمه قدیم)، 2002، انتشارات ایلام، چاپ سوم.
۳۶. الکلینی الرازی، ابی جعفر، محمد بن یعقوب ابن اسحاق، 1367، *الفروع من الکافی*، تهران، دارالکتب الاسلامیه، چاپ سوم، ج 5.
۳۷. کامستوک، ال، 1387، *خدا باوری و اخلاق زیست محیطی*، انشاءالله رحمتی، *اطلاعات حکمت و معرفت*، س 1، ش 1.
۳۸. گلشنی، مهدی، 1377، *از علم سکولار تا علم دینی*، تهران، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، ج 1.
۳۹. محقق داماد، سید مصطفی، 1378، *قواعد فقه*، بخش مدنی، مرکز نشر علوم اسلامی، چاپ هفتم.
۴۰. مطهری، مرتضی، 1363، *قیام و انقلاب مهدی از دیدگاه فلسفه تاریخ*، دفتر انتشارات اسلامی.
۴۱. -----، بی تا، *سیری در نهج البلاغه*، قم، انتشارات صدرا.
۴۲. ملکیان، مصطفی، 1385، *مهر ماندگار*، تهران، نگاه معاصر، چاپ اول، ص 365.

۴۳. منتظری، حسینعلی 1370، *مبانی فقهی حکومت اسلامی*، محمود صلواتی، قم، نشر تفکر، چاپ اول، ج 3.
۴۴. -----1409، *دراسات فی ولایه الفقیه وفقه الدوله الاسلامی*، الجزء الاول، قم، المركز العالمی للدراسات الاسلامیه.
۴۵. الموسوی البجنوردی، محمدحسن 1377، *القواعد الفقهیه*، قم، نشر الهادی، الطبعة الاولى، ج 1.
۴۶. الموسوی الخمينی، روح‌الله 1379، *تحریر الوسیله*، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، ج 1.
۴۷. الموسوی العاملی 1410، *مدارک الاحکام فی شرایع الاسلام*، قم، مهر، الطبعة الاولى، ج 5.
۴۸. میلر، جی. تی 1384، *زیستن در محیط زیست*، مجید مخدوم، تهران، دانشگاه تهران.
۴۹. نصر، سید حسین 1379، *نیاز به علم مقدس*، حسن میانداری، قم، طه، چاپ اول.
۵۰. -----، *دین و نظام طبیعت* 1384، محمدحسن فغفوری، انتشارات حکمت، چاپ اول.
۵۱. نقی‌زاده، محمد 1383، *حقوق محیط زیست در جهان بینی اسلامی و فرهنگ ایرانی* : مجموعه مقالات نخستین همایش حقوق محیط زیست ایران، تهران، برگ زیتون، چاپ اول.
۵۲. نمازی، حسین 1384، *نظام‌های اقتصادی*، تهران، شرکت سهامی انتشار.
۵۳. *نهج البلاغه* 1373، ترجمه: سید جعفر شهیدی، تهران، شرکت انتشارات علمی فرهنگی، ج 6.
1. Passmor, John, 1974, *Mans Responsibility for Nature*, New York, Scribner.
 2. Lynn White Jr, 1967, *the Historical Roots of Our Ecological Crisis science*, vol. 155.
 3. Russel, Train, 1990, *Vital Speeches of the Day*, pp. 664-65
 4. James, Willam, 1964, *Pragmatism*, Cleveland: Meridian Books.